

سربازی موسم خوبی برای مردن نیست



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

«پیراهن دامادی، بر تن زره جنگ است...» که بخشی از یک نوحه قدیمیست، این روزها باز در سرم می چرخد. نوحه خوانی پرطرفدار در شیراز خوانده بود. سسی سال پیش، پدرم پیکان سبزی داشت و پیکان هم یک پخش سونی ۵۴. این نوحه که محبوب آن سال پدرم بود روی نوار ماکسل قرمز با برچسبی که رویش نوشته بود: «نوحه حضرت قاسم» کپی شده بود. همه محرم و صفر آن سال وقتی در ماشین بودم، ضبط سونی این نوحه را پخش می کرد. نوحه اشاره داشت به قاسم‌بن حسن و روایت‌هایی که از او توسط مداحان و منبریان نقل می شد. در عالم کودکی با تصویرسازی شاعر و سوز نوحه‌خوان همراه می شدم. جوانی که در آن محشر کبری، فردای عروسی زیر تیغ و تیر می‌رود. قلم مجاله می‌شد از آن حجم و هجمه غم آن داستان که امروز خیلی از محققان واقعه عاشورا در صحتش تردید دارند.

محرم امسال باز این نوحه در سرم می چرخد؛ هر بار که تصویر سرباز وظیفه‌ای می‌بینم که در آن ۱۲ روز شوم به شهادت رسیده است؛ سرباز وظیفه‌هایی که «مردن» وظیفه‌شان نبود. سرباز وظیفه‌ها نه سردار و سرلشکر بودند که عکس‌شان روی پوستر باید و بند، نه سرشناس بودند تا بدرقه‌شان به خاک با همراهی سیل عظیم جمعیت باشد. سربازها مظلوم‌ترین این جنگ تحمیلی بودند، حتی مظلوم‌تر از کودکان. کودک عزیز خانواده است و همه. کودک اولویت همه است در هنگامه بلا. نه‌فقط پدر و مادر که هرکس که بویی از انسانیت برده وقتی ببیند کودکی در معرض خطر است به نجات او فکر می کند، حتی پیش از خودش. رسم اخلاق و فتوت هم همین است: هر چه بی‌پناه‌تر، بیشتر در اولویت. در این حرفی نیست. ولی به این فکر می‌کنم سرباز وظیفه‌ای که تازه خدمتش را شروع کرده است و رنگ و لعاب پوتینش هنوز می‌درخشد، فقط چندسالی از آنکه کودک می‌خوانیمش بزرگتر است. هنوز حال و هوای مدرسه دارد و هنوز همان موجود تقریباً بی‌پناه‌یست که در بزرگسالی و از بخت بدش در میانه بلا افتاده است. آن هم در برابر سفاکانی که تک‌تیراندازان‌شان به نشانه گرفتن سر کودکان فلسطینی افتخار می‌کنند چه خاصه سرباز. به این فکر می‌کنم که آن سرباز دهه هشتادی هنوز چون طفلی دل‌تنگ مادر می‌شود و برای اینکه بچه‌ننه نخواندش مجبور می‌شود بغض دوری را در گلو خفه کند. هنوز دل در گرو بازی‌هایش دارد که سلاح دستش می‌گیرد و میدان تیر می‌رود و از بختش میدان تیر تیرآس یکی از دجالان قرن شده است.

به آن نوحه فکر می‌کنم و رخت جوانی‌ای که رخت مرگ شد. به اینکه مرگ سرباز حتی از مرگ کودک هم داغ بیشتری بر جان آدمی می‌گذارد. می‌دانید بچه در زمان حال زندگی می‌کند. نه خیال آینده دارد نه غم گذشته. خودش است و جهان صاف و فانتزی پیرامونش. اگر هم می‌گوید می‌خواهم در آینده فلان کاره شوم و فلان کار را کنم در همان جهان فانتزی خودش است. آدمی که سنی هم ازش گذشته باشد، خوب و بد دنیا را دیده است. جایی به کام رسیده و حتماً چندجا ناکام مانده. اما تازه جوانی که به هزار امید به سربازی رفته نه در حال که در آینده زندگی می‌کند. می‌خواهد این چند ساه را بگذراند به امید باقی زندگی‌اش. سرباز نه همچون کودک در زمان حال زندگی می‌کند و نه همچون کسی که سن و سالی دارد در گذشته. مرگ سرباز مرگ آینده‌اش است. مرگ وصالی که می‌خواست بعد سربازی به آن برسد، مرگ هزار جای نرفته که در حسرت دیدارشان ماند، مرگ کسب‌وکار کوچکی که سودای راه‌اندازی‌اش را داشت.

مرگ سرباز مرگ در انتظار است. برای همین مرگ سرباز از دیگر مرگ‌ها هم عمق زخمش بیشتر است. امیدوارم به قول هایدگر که گفته بود «دازاین مرگ خود را نمی‌زید» قول صادقی باشد. اینطور مرگ سرباز، مرگ آینده‌اش و مرگ در انتظار را لااقل خودش تجربه نکرده است. سر آخر باید لعنت فرستاد به آنان که سرباز، کودک و دیگران را کشتند و لعنت مضاعف بر آن پلشتی که حمله به زندان اوین و مرگ آن همه سرباز، مددکار و کودک را نمادین خواند برای اینکه چند دلار بیشتر بگیرد تا نوشاک و خوراکش بهتر شود.

۱۶ ۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرپاسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



شاید وقتی دیگر

بررسی نیمکت سرخپوشان و چرایی خداحافظی اسماعیل کارتال درگفت‌وگو با رضا درویش



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

هواداران پرسپولیس به امید اینکه تابستان داغی در انتظارشان است و می‌توانند دست‌پخت اسماعیل کارتال را برای فصل آینده ببینند، به استقبال تعطیلات رفتند. بر خلاف دو فصل پیش، مدیریت باشگاه پرسپولیس نقل و انتقالات را قبل از پایان فصل فوتبالی آغاز کرد تا خواسته اسماعیل کارتال قبل از اردوی ترکیه فراهم شود اما با شروع حمله نظامی اسرائیل به خاک ایران، تمام برنامه‌ریزی‌ها نه‌فقط برای پرسپولیس بلکه برای سایر تیم‌های لیگ برتری به‌هم خورد. اردوی ترکیه تیم فوتبال پرسپولیس باتوجه به محدودیت‌های پیش آمده شاید لغو شود. اسماعیل کارتال هم که به ترکیه برگشت در گفت‌وگو با مدیرعامل باشگاه اعلام کرد، در شرایط فعلی خانواده او اجازه حضور در ایران را نمی‌دهند. او از بند «فوس ماژور» که در قرارداد تمام مربیان و بازیکنان دنیای فوتبال قرار دارد، استفاده کرد تا بتواند قراردادش را به‌صورت توافقی و محترمانه فسخ کند. در این گزارش علاوه بر گفت‌وگو با «رضا درویش» مدیرعامل باشگاه پرسپولیس، آخرین شرایط باشگاه و مربی آتی این تیم را مورد نقد و بررسی قرار دادیم.

▼ دلیل اصلی استعفا

جنگ ۱۲ روزه شاید روی کاغذ به پایان رسیده باشد اما تبعات آن همچنان وجود دارد. در حوزه فوتبال اگر بخواهیم نزدیک‌ترین اتفاق را بررسی کنیم، خداحافظی بسیاری از بازیکنان و مربیان خارجی است و البته برخی دیگر که هنوز دو دل هستند به ایران برگردن یا خیر. پاریس کارترن فرانسوی که سرمربی سپاهان اصفهان بود، باوجود قرارداد سنگینی که با سپاهان داشت درخواست فسخ کرد و به‌صورت توافقی از این باشگاه جدا شد. کارترن خیلی زود قرارداد جدیدی با تیم «ام صلال» قطر امضاء کرد و بار دیگر به کشور قطر بازگشت تا نشان دهد دلیل او، نگرانی‌هایش از اتفاقاتی است که پیش‌تر تجربه نکرده بود. از سوی دیگر، بازیکن برزیلی استقلال خوزستان نیز قراردادش را فسخ و راهی تیمی از کشور اندونزی شد. در خصوص اسماعیل کارتال اما شرایط جنجالی‌تر شد. به همین دلیل برای جلوگیری از شایعه‌پراکنی‌های مجازی گفت‌وگویی با رضا درویش، مدیرعامل باشگاه پرسپولیس، انجام دادیم. رضا درویش در خصوص فسخ قرارداد کارتال به هم‌میهن گفت: «با آقای کارتال ساعت‌ها و روزها صحبت و تلاش بسیاری کردیم تا ایشان را راضی به بازگشت به کشورمان کنیم. ما به ایشان گفتیم دیگر جنگی در کار نیست و مسابقات فوتبال با وقفه‌ای ۱۴ روزه برگزار خواهد شد، اما ایشان دلایل خودش را داشت و باتوجه به شرایط پیش آمده و البته مشکلات خانوادگی که داشت، درخواست فسخ قرارداد را کرد. ما بدون پرداخت غرامت، قرارداد کارتال را فسخ کردیم».

▼ احتمال بازگشت کارتال

بسیاری از هواداران پرسپولیس از خداحافظی و فسخ قرارداد کارتال با پرسپولیس، شوکه شدند. تصور این بود که فصل بسیار روشنی در انتظار پرسپولیس باشخص اسماعیل کارتال است؛ چون این مربی ترکیه‌ای بارها در صحبت‌هایش اعلام کرده بود که تیم اصلی را فصل آینده ببیند، چراکه دست‌بخت خودش است و می‌داند چطور تیمی را برای قهرمان‌شدن و تلاش برای بهترشدن، ببندد و راهی مسابقات کند. اما با شروع جنگ، تمام این رویاپردازی‌ها نقش بر آب شد. رضا درویش درخصوص اینکه چه دیالوگی بین او و کارتال درخصوص آینده ردوبدل شده، گفت: «آقای کارتال از هواداران پرسپولیس بسیار تشکر و قدردانی کرد که همیشه حامی او بودند. همچنین کارتال قول داد با

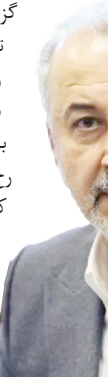
مساعدشدن شرایط خودش، خانواده و البته مسائلی که پیش آمد، روزی دوباره به پرسپولیس برگردد تا این راه، نیمه‌کاره رها نشده باشد». شاید این صحبت کارتال کمی احساسی باشد اما اصولاً مربیان ترکیه‌ای تیم را در وسط راه رها می‌کنند و این موضوع یکبار دیگر هم رخ داده بود؛ مصطفی دنیزلی، هم در تیم پاس، هم در تیم پرسپولیس به‌یکباره رفت. البته کارتال در گفت‌وگو با رضا درویش اعلام کرده به هیچ عنوان دلیل استعفا ی او، حضور در تیم دیگری نیست و نمی‌خواهد استعفا دهد تا مربی تیم دیگری شود.

▼ تنشی که پسر کارتال درست کرد

یکی از دلایلی که اسماعیل کارتال روی آن تاکید داشت این بود که همسر او گفته، در شرایط بحرانی خانوادگی، ترکیه را ترک نکند. این بحران خانوادگی مربوط به پرونده حقوقی فرزند اسماعیل کارتال می‌شود که شاید بین شش‌ماه تا سه‌سال به زندان برود. پرونده‌ای که به‌نظر می‌رسد مربوط به ۱۹ و ۲۰۲۴ باشد که چالش بدی را برای آنها ایجاد کرد. بیش از یک‌سال از جنجالی‌ترین دربی سال‌های گذشته فوتبال ترکیه بین گالاتاسرای - فنرباغچه می‌گذرد و همچنان مسائل مربوط به این بازی ادامه دارد. در این بازی که به میزبانی رفس پارک برگزار شد، شاگردان اسماعیل کارتال با نتیجه یک بر صفر حریف را شکست دهند و به قهرمانی امیدوار شوند. این برد موفقیت بزرگی برای کارتال و تیم فنرباغچه بود. اما شادی احساسی پسر کارتال باعث تنش عجیبی شد. همه چیز از جایی آغاز شد که مدیر ورزشگاه «رمس پارک» به سمت اعضای تیم فنرباغچه رفت و از آنها خواست تا پرچم خود را از وسط زمین جمع کنند و به رختکن بروند اما اعضای تیم فنرباغچه حاضر به این کار نشدند و به او واکنش نشان دادند. در حالی که درگیری لفظی بین طرفین کم‌کم به محرمیت برخورد فیزیکی کشیده می‌شد، امره کارتال به‌سرعت خود را وارد محل درگیری دید خودش می‌گوید، در لحظه درگیری مشغول صحبت با تلفن بود و وقتی دید که همه در حال زدوخورد هستند، کنترل اش را از دست داد، وارد صحنه شد و کارهایی را انجام داد که حالا بیاد نمی‌آورد! البته این صحبت‌هایی است در دفاع از ضرب‌و شتم مدیر ورزشگاه گالاتاسرای و تلاش برای تبرئه؛ وگرنه در دوربین تلویزیونی کاملاً مشخص است که او چگونه با ضربه مشت و لگد، علی چلیک را می‌زند. این بزن‌بزن و خشت‌ناک باعث شد تا دادگاه حکم به محرومیت فرزند کارتال بدهد. یانیز سایونچوغلو، روزنامه‌نگار مشهور ترکیه‌ای، می‌گوید چهار نفر از اعضای باشگاه فنر که در رأس آن فرزند کارتال بود، در دادگاه حضور یافتند و احتمالاً فرزند کارتال با حکم شش‌ماه حبس رو به‌رو خواهد شد چون مدیر ورزشگاه دچار جراحات شدیدی شده است.

▼ هاشمیان سر مربی آینده

بعد از استعفای اسماعیل کارتال، یکی از پرچالش‌ترین و البته حساس‌ترین تصمیمات اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل باشگاه پرسپولیس، انتخاب سر مربی است. در روزهایی که گزینه‌ها محدود شدند، دو گزینه خارجی و چهار مربی داخلی از گزینه‌های نهایی مدیریت باشگاه هستند. رضا درویش در این باره گفت: «آقای برانکو از مربیان با سابقه فوتبال دنیا هستند. با ایشان و البته آقای اوسمار صحبت کردیم و منتظر پاسخ هر دو عزیز هستیم، دو، سه گزینه داخلی هم داریم که هم‌زمان در حال صحبت‌کردن هستیم تا در صورت توافق، با یکی از گزینه‌ها تمرینات آغاز شود.» رضا درویش به‌صورت مستقیم نامی از مربی داخلی نیاورد اما شواهد و قرائن می‌گوید که وحید هاشمیان بیشترین شانس را برای هدایت پرسپولیس در فصل آتی دارد و اگر اتفاق خاصی رخ ندهد، او همراه دو دستیار آلمانی به ایران می‌آید تا کار را آغاز کند. آخرین تیمی که هاشمیان در آن بازی کرد، پرسپولیس بود و بعد از آن کفش‌ها را آویخت. بازگشت فردی که ۱۲ سال در یونسللیگا بازی کرده، ۵۵ بازی ملی در کارنامه خود دارد و مربی تیم ملی ایران در دوران اسکوچیچ بود، توفیق اجباری است که تا این لحظه هواداران پرسپولیس از آن رضایت دارند.



نگاه کارشناس

آدرس غلط ندهیم: فیلترینگ تشدید کننده آلودگی در شبکه



محمد رهبری

جامعه‌شناس و پژوهشگر شبکه های اجتماعی

جنگ ۱۲ روزه پایان یافته است و حالا همه به دنبال یافتن علل نفوذ در کشور و مقابله با آن هستند. در این میان برخی افراد و رسانه‌ها، واتساپ را مقصر این وضعیت قلمداد می‌کنند و برخی دیگر، اینترنت را و به این بهانه می‌خواهند «ارتباطات» را قربانی کنند؛ گویی ریشه مشکل در ارتباطات است. حال آن که ابزارهای ارتباطاتی، اعم از نامه، تلفن و اینترنت، همه برای ارسال پیام و برقراری ارتباط میان افراد مختلف در یک جامعه است و نمی‌توان با آن مقابله و مخالفت کرد. اگر از ابزارهای ارتباطاتی برای نفوذ و جاسوسی سوءاستفاده می‌شود، باید جلوی این سوءاستفاده را گرفت، نه آن که هر ارتباطی را از اساس مسدود کرد.

توسعه فناوری‌های ارتباطی در دهه‌های اخیر، سازوکارهای مختلف و نسبتاً پیچیده‌ای را برای ارسال پیام و برقراری ارتباط میان افراد ایجاد کرده است. شبکه‌های اجتماعی، به‌عنوان یکی از مصادیق توسعه فناوری، رایج‌ترین ابزار ارتباطی در دوران جدید شده است که پیام‌ها را به صورت رمزنگاری شده منتقل می‌کند. حالا برخی مدعی هستند که اسرائیل می‌تواند پیام‌های رمزنگاری شده در پلتفرم واتساپ متعلق به شرکت متا را بخواند و به همین دلیل از طریق آن، جاسوسی می‌کند و خواهان فیلترشدن و پاک‌کردن آن هستند.

شاید از واتساپ برای جاسوسی استفاده می‌شود؛ نگارنده اطلاعات کافی برای تأیید یا رد این ادعا ندارد. اما ابزارهای جاسوسی روی گوشی‌های تلفن همراه تنها محدود به واتساپ نخواهد بود و می‌تواند سایر شبکه‌های اجتماعی را نیز در بر بگیرد. استدلال کسانی که واتساپ را متهم اصلی جاسوسی معرفی می‌کنند، آمریکایی بودن آن است؛ حال آن که سیستم عامل گوشی‌های همراه، چه اندروید و چه آیفون، آن هم آمریکایی است که به تمام اطلاعات گوشی، لوکیشن، دوربین و... دسترسی پایه دارد. اگر بخواهیم صرفاً آمریکایی بودن را معیار در نظر بگیریم، اساساً باید گوشی هوشمند را کنار گذاشت؛ چرا که موضوع فقط محدود به یک پلتفرم خاص نیست.

البته که این توصیه برای افراد نظامی، توصیه غلطی نیست؛ مقامات نظامی و مسئولان رده‌بالای کشور، آن در هم در این شرایط خاص، حتماً نباید از گوشی هوشمند استفاده کنند. علاوه بر این، نباید اطلاعات مهم و حساس را از طریق واتساپ یا هر شبکه اجتماعی دیگری منتقل کرد. شاید تعداد کسانی که به خاطر مسئولیت‌شان نباید از گوشی هوشمند استفاده کنند، چند هزار نفر بیشتر نباشد، اما به‌خاطر آن کل مردم را از مصرف گوشی هوشمند محروم نمی‌کنند. متعاقب همین استدلال، به‌خاطر آن که نباید از طریق واتساپ اطلاعات حساس را منتقل کرد، دسترسی واتساپ را برای همه محدود نمی‌کنند بلکه پروتکل‌های سفت و سخت برای کسانی که دسترسی به اطلاعات حساس و محرمانه دارند، باید گذاشته شود که این اطلاعات را از طریق شبکه‌های اجتماعی جابه‌جا نکنند و آن را روی گوشی‌های هوشمند خود نگه‌داری نکنند. بر جسته‌کردن موضوع واتساپ به‌عنوان عامل نفوذ و جاسوسی، باعث شده است تا نسبت به عوامل اصلی که در مسیر ارتباطات اختلال ایجاد می‌کنند و راه را برای آلوده‌شدن دستگاه‌های موبایل، خواندن اطلاعات و... باز می‌کنند، بی‌توجهی شود. یکی از مهم‌ترین عوامل، فیلترشکن‌ها و VPN‌هایی است که معلوم نیست به کجا وصل هستند. احتمالاً بسیاری از کاربران اینترنت تجربه استفاده از برخی فیلترشکن‌ها که آگهی پیوستن به ارتش اسرائیل را منتشر می‌کرد، در خاطر داشته باشند. بسیاری از این فیلترشکن‌ها و VPN‌ها، می‌توانند بدافزاری باشد که از گوشی افراد جاسوسی کند.

به لحاظ فنی، وقتی کاربر از فیلترشکن یا VPN استفاده می‌کند، عملاً تمام داده‌های خود را بر بستر اینترنت، از طریق تونلی که توسط آن فیلترشکن یا VPN ایجاد شده، عبور می‌دهد و این می‌تواند ابزاری برای دسترسی به اطلاعات محرمانه افراد بشود؛ علاوه بر این، اپلیکیشن نصب‌شده روی گوشی، ممکن است حاوی بدافزاری باشد که با گرفتن دسترسی از کاربر، اطلاعات بخش‌های دیگر را نیز جمع‌آوری کند و به یک مقصد نامعلوم ارسال کند.

بنابراین واضح است که انواع و اقسام فیلترشکن‌ها و VPN‌ها روی گوشی میلیون‌ها ایرانی، یکی از راه‌های نفوذ و جاسوسی است و تبعات امنیتی دارد. تجربه نشان داده است که به‌رغم هشدار راجع به این فیلترشکن‌ها، اما کمتر کسی آن را از گوشی خود پاک کرده است و در عمل، مبارزه با فیلترشکن‌ها ممکن نشده؛ چرا که تازمانی که انگیزه استفاده از آن‌ها وجود داشته باشد، مردم از آن استفاده می‌کنند تا به شبکه‌های اجتماعی متصل باشند و با جهان ارتباط برقرار کنند. بنابراین تنها راه مبارزه با فیلترشکن‌ها و VPN‌ها کم‌می‌توانند تبدیل به ابزار جاسوسی باشند، از بین بردن انگیزه مردم برای استفاده از آن‌هاست؛ این انگیزه زمانی از بین می‌رود که مردم احساس کنند برای استفاده از اینترنت، نیاز به فیلترشکن یا VPN ندارند و آن یعنی رفع فیلتر از شبکه‌های اجتماعی. تا قبل از پاییز ۱۴۰۱، بسیاری از مردم از فیلترشکن استفاده نمی‌کردند چون نیازی به آن نمی‌دیدند. اکنون نیز تنها باید این نیاز را از بین برد. بنابراین برخلاف تصور، کاهش فیلترینگ و محدودیت‌ها، نه‌تنها اقدامی ضد امنیتی نیست که اتفاقاً برعکس، منجر به افزایش امنیت می‌شود. هر چقدر انگیزه مردم در استفاده از فیلترشکن‌ها کمتر بشود، امنیت گوشی‌ها و تلفن‌های همراه بیشتر خواهد شد. باید این انگیزه را کاهش داد و راه آن، جز از طریق رفع محدودیت‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی نیست، البته هم‌زمان باید مقامات نظامی، استفاده از هر نوع گوشی هوشمند را کنار بگذارند و هیچ اطلاعات محرمانه‌ای، از طریق هیچ یک از پلتفرم‌های پیام‌رسان، جابه‌جا نشود. شاید از این طریق، امنیت سایبری تقویت شود.